

## میراث «نهضت حسینی» برای امروز ما

دکتر عبدالحسین خسروپناه  
استاد فلسفه

۱ برای درک هدف «نهضت حسینی» و درس های آن، بهترین مرجع، رجوع به کلمات و سخنان خود امام حسین (ع) است. ایشان در وصیتنامه‌ای به برادرش محمد بن حنفیه وقتی که در مسیر عراق حرکت می‌کرد، می‌فرمایند: «إِنِّي لَمْ أَخْزُجْ أَبْرَأُ وَلَا بَطِرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا، إِنَّمَا خَرَجْتُ لِيُطْلَبَ الْإِصْلَاحُ فِي أُمَّةٍ جَدَى، أَرِيدُ أَنْ أُمَازَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِرَّةٍ جَدَى وَأَبِي..... من گواهی می‌دهم که از راه تکبر و خودخواهی یا به قصد فساد و ستمگری بر ضد حکومت بنی‌امیه قیام نکردم، قیام کردم فقط و فقط برای ایجاد اصلاح در امت جدم و شیعه پدرم علی بن ابی‌طالب.»

همچنین می‌فرمایند: «فَمَنْ قَبِلَنِي يَقْبَلِ الْحَقَّ فَاللَّهُ أَوَّلِي بِالْحَقِّ وَمَنْ رَدَّ عَلَيَّ هَذَا صَبِرَ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَ الْقَوْمِ بِالْحَقِّ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ وَهَذِهِ وَصِيَّتِي يَا أَخِي الْيَكُّ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَالِيهِ انْتَبِهْ..... هر کس راه حق و حقیقت را پذیرفت طرف حساسی حق تعالی است و هر کس قیام من را مردود بداند، من در راه خود ثابت قدم و شکیب‌هستم تا اینکه خداوند بین من و این ملت به حق و حقیقت قضاوت کند که او بهترین قاضی است. این وصیت من است برای تو ای برادر. موفقیت من بسته به اراده خدا است. به او توکل می‌کنم و به سوی او دست‌انابه برمی‌دارم.»

۲ همانطور که در وصیتنامه آمده است، هدف قیام امام حسین (ع) «اصلاح دینداری مسلمانان» است. در آن دوره، مسلمانان مسیر انحرافی را در دینداری‌شان پیش گرفته بودند و حضرت (ع) قیام کرد تا مردم را نسبت به انحراف‌شان، آگاه کند. اما این انحرافات چه بود؟

اول، یکی از این انحرافات به مسائل اعتقادی برمی‌گشت. در زمان امام حسین (ع) عده‌ای خداوند را به خودشان تشبیه می‌کردند. از این رو، حضرت امام حسین (ع) در خطبه‌ای می‌فرماید: «ای مردم! پرهیز کنید از گروهی از کسانی که گمراه هستند و مانند کفار از اهل کتاب می‌آیند خداوند را مثل خودشان می‌پندارند، چراکه پروردگار مثل و ماندنی ندارد، شنواست و بیناست.»

دوم، انحرافات اخلاقی بود. در این راستا، حضرت امام

## ۴

هدف قیام امام حسین (ع) «اصلاح دینداری مسلمانان» و «معرفی ولایت» بود. درس‌هایی که می‌توان امروز از این قیام گرفت اهمیت دادن به «مسئولیت اجتماعی» است؛ اینکه نسبت به مسائل جامعه بی‌تفاوت نباشیم



حسین (ع) در خطبه‌ای توصیه می‌کند: «آیه‌ا الناس: نافسوا فی المکارم، وسارعوا فی المغانم، ولا تحسبوا بمعروف لم تعجلوا!» در صفات عالی و پسندیده با یکدیگر رقابت کنید، در به دست آوردن این صفات خوب که غنیمت‌های الهی هستند سرعت پیدا کنید، اگر عمل خیری باشد در انجامش سرعت نداشته‌اید خیال نکنید این کار شما شایسته است. این توصیه و نگرانی حضرت امام حسین (ع) نشان می‌دهد جامعه‌زمانه ایشان از یک سری انحرافات اخلاقی و رفتاری رنج می‌برده است.

سوم، در آن دوره، برخی از مسلمانان حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال می‌کردند. به همین دلیل، حضرت امام حسین (ع) بر این باور بودند که دیگر چیزی از اسلام باقی نمانده است و لذا فرمودند اگر می‌خواهید مسیر شهادت را طی کنید باید به حزب خدا که ترتر پیامبر (ص) و اهل بیت عصمت طهارت هستند، تمسک کنید. «قرآن» و «عترت» دوزنه بزرگ هستند که پیامبر (ص) در اختیار امت گذاشته است و باید به آنها تمسک جست.

## ۳

متأسفانه بعد از وفات پیامبر (ص)، سنت، کتابت و نقل احادیث ایشان تعطیل شد، و به جای آن تفسیر به رأی‌ها جای دین را گرفت. ارزش‌های درست، ضد ارزش شد و ارزش‌های غلط، به ارزش بدل شد. این اقدامات در زمان خلافت معاویه صورت گرفت و پس از او، فرزندش یزید که به شیوه پدر اقتدا داشت، مردم را مجبور به بیعت کرد. امام حسین (ع) با یزید بیعت نکرد و در مقابل این تصمیم ایستاد؛ زیرا اگر یزید حاکمیت را به دست می‌گرفت، دیگر قطعاً چیزی از اسلام باقی نمی‌ماند. از این رو، هدف دیگر امام حسین (ع) از قیامش، در کنار اصلاح دین، معرفی کردن ولایت حق در مقابل ولایت باطل به مردم بود.

## ۴

درس‌هایی که می‌توان امروز از قیام امام حسین (ع) گرفت این است که در برابر مسائل اجتماعی بی‌تفاوت نباشیم و در این راستا، «مسئولیت اجتماعی» را می‌توان به عنوان یکی از درس‌های قیام امام حسین (ع) در نظر گرفت. گاه یک جامعه درگیر فساد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌شود. بی‌عدالتی یکی از بدترین انواع فساد است که اگر در جامعهای نهادینه شود، می‌تواند بسیار مخرب باشد. گاهی می‌بینیم جناح‌های سیاسی چپ و راست، برای رسیدن به قدرت باهم اختلاف دارند. هرچند قدرت فی‌نفسه بد نیست اما قدرت برای چه چیزی؟ برای خدمت به خلق، رفع مشکلات مردم یا کسب موقعیت‌های بهتر برای احزاب؟ این بدترین منکری است که به نظر می‌رسد امروز باید انسان‌های آزاده که به مکتب حسین (ع) اقتدا دارند، با آن مقابله کنند و مردم را در مسیر هدایت و سعادت راهنمایی کنند.

دسته‌بندی کرد:

نخست، موقعیت تاریخی خاصی که واقعه عاشورا و نهضت امام حسین (ع) در آن رخ داد

خود زمینه‌مندگاری آن را فراهم کرد.

دوم، جنس اتفاقاتی بود که در نهضت امام حسین (ع) رخ داد و روندی که نهضت پیدا کرد؛ به‌عنوان مثال اینکه امام حسین (ع) هیچ‌گاه خود به قصد جنگ و تیرد لشکرکشی نکردند. ایشان جمعی از خانواده اعم از زن و بچه به همراه داشتند، شقاوت و بی‌رحمی که یزیدیان با ایشان و همراهان‌شان داشتند و نوع اتفاقاتی که در این واقعه رقم خورد، یکی از عوامل ماندگاری این نهضت شد.

سوم، ضرورتی بود که اهل‌بیت (ع) برای بزرگ و برجسته کردن این رخداد در فرهنگ تشیع می‌دیدند و این مهم را نیز به انجام رساندند و توانستند نهضت امام حسین (ع) را در فرهنگ تشیع بخوبی برجسته نمایند.

چهارم، یکی از عوامل ماندگاری حرکت امام حسین (ع) پیام‌های ماندگارش بود که ابعاد انسانی و اخلاقی داشت و فراتر از قالب شریعت توانست توجه گروه‌های مختلف اجتماعی را در دوره‌های بعدی به خود جلب کند.

## ۵

به نظر می‌رسد که امروزه بخشی از پیام امام حسین (ع) و نهضت عظیم ایشان مورد غفلت واقع شده است و آن سیرت حقیقی و عقلانی نهضت ایشان است. یکی از مهم‌ترین ابعاد سیرت حقیقی و عقلانی نهضت حضرت امام حسین (ع) «اخلاق‌مداری» ایشان است. از قضا، گمشده امروز جامعه ما مسأله اخلاق است؛ منظور

از اخلاق؛ آزادی و آزادگی، مبارزه با ستم و اعتراض به رفتار حاکمان قانون‌شکن است. یکی از مهم‌ترین ابعاد اخلاقی نهضت امام حسین (ع) نوع برخورد با مخالف است. نمونه برخورد ایشان با مخالف را می‌توان در مواجهه ایشان روز نخست با حر دید. به نظر می‌رسد که یکی از نیازهای جدی جامعه و افکار عمومی

امروز ما برخورد حسین‌وار با مخالفان است. پیام نهضت امام حسین (ع) یک پیام انسانی و فراتاریخی است و تنها اختصاص به شیعیان ندارد. طبعاً اسم امام حسین (ع) و ذکر مظلومیت ایشان صرفاً یک مسأله شخصی و فردی یا مثلاً نقل یک تراژدی نیست، بلکه ذکر مصیبت شهادت ایشان در واقعه عاشورا تلنگری به مسلمانان در خصوص ظلم‌ناپذیری و دادن درس انسانیت و شهامت به جامعه بوده است. همیشه خوف و نگرانی مستبدان هم از این نوع عزاداری‌ها به‌دلیل پیام‌های نهفته در پس عزاداری بوده است.

در بین ائمه تنها برای امام حسین (ع) مراسم چهلم و اربعین گرفته می‌شود چرا که امام حسین (ع) کانون مرکزی اهل‌بیت (ع) هستند و باید پیوسته فلسفه نهضت‌شان در ذهن مردم از طبقات مختلف تکرار می‌شد. از این رو، فلسفه اربعین و عزاداری هر ساله برای امام حسین (ع) در روز چهلم شهادت ایشان به‌دلیل اهمیت کار ایشان و ماندن فلسفه نهضت‌شان در حافظه جمعی مسلمانان انجام می‌شود و اربعین در چنین بستری است که شکل می‌گیرد.

## ۴

پیام نهضت امام حسین (ع) یک پیام انسانی و فراتاریخی است و تنها اختصاص به شیعیان ندارد. طبعاً اسم امام حسین (ع) و ذکر مظلومیت ایشان صرفاً یک مسأله شخصی و فردی یا مثلاً نقل یک تراژدی نیست، بلکه ذکر مصیبت شهادت ایشان در واقعه عاشورا تلنگری به مسلمانان در خصوص ظلم‌ناپذیری و دادن درس انسانیت و

شهامت به جامعه بوده است. همیشه خوف و نگرانی مستبدان هم از این نوع عزاداری‌ها به‌دلیل پیام‌های نهفته در پس عزاداری بوده است



۲ در میان یاران امام حسین (ع) دو شخصیت مکمل حرکت ایشان شدند: حضرت زینب (س)

و حضرت امام سجاد (ع). در این میان، بی‌تردید، بیشترین نقش را حضرت زینب (س) بر عهده داشتند؛ شاید خطرانی که در کمین حضرت امام سجاد (ع) بود، ایجاب می‌کرد که ایشان چندان علنی رفتار نکنند و زنی قهرمان در نطقی شجاعانه به میدان بیاید و این رسالت را به عهده گیرد. به این اعتبار، می‌توان از حضرت زینب (س) به‌عنوان «قهرمان کر بلا» یاد کرد؛ چرا که تقریباً همه فشارهایی را که از بعد از شهادت امام علی (ع) به خاندان اهل‌بیت (ع) وارد شده بود با سخنان و مواضع شجاعانه خود خنثی کردند.

این جمله حضرت زینب (س) خطاب به یزید: «و ما رأیتُ إِلَّا جمیلاً» معنایش این است که بهتر از این نمی‌شد. ما چه می‌خواستیم؛ می‌خواستیم که فرصتی پیدا کنیم که صدای خود را به مسلمانان برسانیم. شما مقدمات و بستر آن را بخوبی فراهم کردید. خیلی زیبا شد. شکر خدا که چنین چیزی به دست شما فراهم شد. زیرا در شکل مظلومانه‌ای ما را شهر به شهر، منزل به منزل، کاروان به کاروان چرخانید. ما هم مظلومیت خود و جثایت و انحراف شما از اسلام را برای مردم بازگو کردیم.

واقعه عاشورا و نهضت امام حسین (ع) منجر به ایجاد فرصت‌هایی برای دیگر ائمه (ع) نیز شد، به‌طوری‌که پس از این نهضت، بنی‌امیه و بنی‌عباس یاد گرفتند که در برخورد با ائمه (ع) ملاحظات را رعایت کنند. از این رو، پس از واقعه عاشورا با هیچ‌یک از ائمه (ع) چنین دشمنی آشکاری را صورت ندادند بلکه آنان را به شکلی مخفیانه، پنهانی و با ملاحظات خاصی، به شهادت می‌رساندند.

## ۳

۱ ائمه (ع) همگی در دوران امامت خود از یک استراتژی واحد پیروی می‌کردند اما این شرایط تاریخی‌شان بود که آنان را از هر جهتی از هم متمایز می‌کرد؛ به‌عنوان مثال، حضرت امام علی (ع)، حضرت امام حسن (ع)، حضرت امام سجاد (ع) و سایر ائمه هر یک در هدایت مردم و به انجام رساندن رسالت خود استراتژی مشخصی را در دستور کار داشتند هرچند که شرایط واحوال اجتماعی یا مخاطبان‌شان، آنان را به‌نوعی از هم متمایز می‌کرد. اما شخصیت حضرت امام حسین (ع) و کاری که ایشان و یاران‌شان انجام دادند، منجر شد تا ویژگی خاص و متمایزی نسبت به سایر ائمه (ع) پیدا کنند.

این تمایز را می‌توان چنین روایت کرد که حضرت امام حسین (ع) قهرآ در یک فضای سیاسی و اجتماعی خاص زندگی می‌کردند؛ آن شرایط خاص سیاسی و اجتماعی مستلزم یک تلنگر یا به تعبیری ایجاد یک موج بود. شکل‌گیری این موج نیز نیاز به یک نوع شهامت و فداکاری خاص داشت و حضرت امام حسین (ع) این شهامت را با پذیرفتن بیعت با یزید بخوبی نشان دادند.

یزیدیان فکر می‌کردند که بیعت نکردن حضرت امام حسین (ع) با یزید را باید خیلی جدی سرکوب کنند چون اگر عقب‌نشینی کنند، نمی‌توانند در مقابل حرکت‌های دیگر بایستند. بنابراین، زیاد بن ابیه را انتخاب کردند تا این سرکوب را به شکلی علنی، با صدای بلند و پرهیاهو و بسیار شیخ پیش ببرد؛ به همین دلیل وقتی یاران امام (ع) را به شهادت رساندند، بر اجساد شهدا اسب دواندند یا خانواده‌شان را اسیر کرده و شهر به شهر چرخاندند و به مردم گفتند که ما آنان را سرکوب کردیم و پیروز شدیم. آنان پس از واقعه عاشورا از هیچ‌گونه اذیت و آزاری نسبت به اهل‌بیت (ع) فروگذار نکردند تا ترس و وحشتی را که مدنظر‌شان بود به جامعه القا کنند.